

پایه: دوازدهم رشته‌های: ریاضی و فیزیک - علوم تجربی درس: اول طراح: بهبود ناصری	به نام خدا معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش دفتر آموزش متوسطه نظری دبیرخانه راهبردی کشوری تولید شده در استان کرمانشاه	محتوای نوشتاری کتاب: عربی زبان قرآن (۳) سال تحصیلی: ۱۳۹۹ - ۱۴۰۰
---	--	--

**عنوان:** محتوای نوشتاری درس اول کتاب عربی (۳) پایه دوازدهم رشته‌های ریاضی و فیزیک - علوم تجربی

**اهداف یادگیری و انتظارات پس از مطالعه:**

دانش‌آموز بتواند: ۱. معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند. ۲. این درس را درست قرائت و ترجمه کند. ۳. حروف مشبیه بالفعل را در زبان عربی تشخیص دهد. ۴. جمله‌های دارای حروف مشبیه بالفعل را درست ترجمه کند. ۵. حرف لای نفی جنس را از سایر انواع «لا» در زبان عربی تشخیص دهد. ۶. جمله‌های دارای لای نفی جنس را درست ترجمه کند.

**نکات مهم درس:** ۱. ترجمه درست جملات دارای حروف مشبیه بالفعل. ۲. ترجمه درست فعل مضارعی که قبل از آن «لَیْتَ» یا «لَعَلَّ» آمده باشد. ۳. ترجمه درس جملات دارای لای نفی جنس

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

الدِّينُ وَالتَّوْحِيدُ

﴿... أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾ يونس: ۱۰۵

التَّوْحِيدُ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ. وَ التَّارِيخُ يَقُولُ لَنَا:  
لَا شَعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.  
فَالآثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي اكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ، وَ الْحَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا مِنْ خِلَالِ  
الْكِتَابَاتِ وَ النُّقُوشِ وَ الرُّسُومِ وَ التَّمَاثِيلِ، تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ وَ تَدُلُّ  
عَلَى أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وُجُودِهِ؛ وَلَكِنَّ عِبَادَاتِهِ وَ شَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافِيَّةً؛ مِثْلَ تَعَدُّدِ  
الْإِلَهَةِ وَ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينِ لَهَا لِكَسْبِ رِضَاهَا وَ تَجَنُّبِ شَرِّهَا. وَ أَزْدَادَتْ هَذِهِ  
الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ. وَلَكِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَتْرِكْ  
النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ؛ فَقَدْ قَالَ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ:  
﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ الْقِيَامَةُ: ۳۶  
لِذَلِكَ أَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنُوا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَ الدِّينَ الْحَقَّ.

دين و دینداری

با یکتاپرستی به دین روی آور. (یونس: ۱۰۵)

دینداری در انسان فطری است و تاریخ به ما می‌گوید: هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست؛ مگر اینکه برای عبادت روشی دارد.

**توضیح:** «کان + ل» به معنای «داشت» است؛ اما از آنجا که این عبارت دلالت بر ثبوت و لزوم دارد، و یک روند کلی را بیان می‌کند، در نتیجه، «کان» به صورت زمان حال ترجمه شده است نه زمان گذشته. آثار کهنی که انسان آنها را کشف کرده است، و تمدن‌هایی که آنها را در خلال نوشته‌ها، کنده‌کاری‌ها، نقاشی‌ها و تندیس‌ها شناخته است بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند و اینکه در وجود او فطری است، دلالت می‌کند. ولی عبادت‌ها و مراسم او خرافی بود؛ مانند چند خدایی و تقدیم قربانیان به خدایان برای

کسب خشنودی آنها و دوری از شرشان. در گذر زمان این خرافات در دین‌های مردم افزایش یافت. ولی خدای - پر برکت و بلندمرتبه با نام او - مردم را بر همین حالت رها نساخت؛ وی در کتاب با کرامتش فرموده است: آیا انسان گمان می‌کند که بیهوده رها می‌شود؟ بدین سبب پیامبران را به سویشان فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند. **توضیح:** در «کتابه الکریم»، بین موصوف (کتاب) و صفت (الکریم)، مضاف الیه (ه) آمده است. در اینگونه موارد؛ در ترجمه به فارسی، صفت قبل از مضاف الیه آورده می‌شود: (کتاب با کرامتش)

وَ قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ صِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.

وَ لَنَذْكُرَنَّ مَثَلًا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.  
فَفِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ وَوَحِيدًا، فَحَمَلَ  
فَأَسَاءَ، وَ كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ، ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ  
وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ.

وَ لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ، شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً، وَ ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الْفَاعِلُ،  
فَأَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ وَ سَأَلُوهُ:

﴿... أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾ الْآنبياء: ٦٢

فَأَجَابَهُمْ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟! إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ.

بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا».

وَ هُنَا ﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾ الْآنبياء: ٦٨

فَقَدَّفُوهُ فِي النَّارِ، فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا.

و قرآن کریم از روش پیامبران (ع) و درگیری آنها با مردمان کافرشان با ما سخن گفته است. و باید یاد کنیم داستان ابراهیم خلیل را که تلاش کرد مردمش را از عبادت بت‌ها نجات دهد.

**توضیح:** حرف لام در «ولنذكر» در اصل مکسور است؛ ولی هرگاه قبل از حرف «ل» یکی از حروف «ثُمَّ، فَ، وَ» آمده باشد، ساکن می‌شود.

در یکی از عیدها هنگامی که قوم او از شهرشان خارج شدند، ابراهیم (ع) تنها ماند و تبری را برداشت و در معبد همهٔ بت‌ها جز بت بزرگ را شکست؛ سپس تبر را روی دوش او آویخت و پرستشگاه را ترک کرد. وقتی که مردم برگشتند، بت‌هایشان را شکسته دیدند و گمان کردند که ابراهیم (ع) انجام دهندهٔ این کار است، پس او را برای محاکمه احضار کردند و از او پرسیدند: «... آیا تو این کار را با خدایانمان انجام داده‌ای، ای ابراهیم؟»

به آنها پاسخ داد: چرا از من می‌پرسید؟! از بت بزرگ پرسید.

**توضیح:** اگر قبل از فعل مضارع، «لَمْ» آمده باشد، فعل مضارع به صورت ماضی منفی ترجمه می‌شود؛ اما باید توجه داشت که «لَمْ» با «لَمْ» اشتباه گرفته نشود، «لَمْ» به معنای «چرا» است. مردم شروع به پیچ کردن کردند: قطعاً بت سخن نمی‌گوید؛ ابراهیم فقط قصد دارد بت‌های ما را مسخره کند. و در اینجا گفتند: او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید. پس او را در آتش انداختند و خداوند او را از آن نجات داد.

x ✓

### عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- كَانَ الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينَ لِلْإِلَهَةِ كَسَبَ رِضَاهَا وَ تَجَنَّبَ شَرَّهَا.
- ۲- عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ.
- ۳- لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينَ أَوْ طَرِيقَةً لِلْعِبَادَةِ.
- ۴- الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ.
- ۵- إِنَّ التَّدْيِينَ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ.
- ۶- لَا يَتْرُكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُدًى.

درستی و نادرستی عبارات را بر اساس متن درس مشخص کنید:

۱. هدف از تقدیم قربانیان به خدایان کسب خشنودی آنها و دوری از شرشان بود. درست
۲. ابراهیم (ع) تبر را روی دوش کوچکترین بت‌ها آویخت. غلط
۳. برخی از ملت‌ها دین یا روشی برای عبادت نداشتند. غلط
۴. آثار کهن بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند. درست
۵. دینداری در انسان فطری است. درست
۶. خداوند انسان را بیهوده رها نمی‌کند. درست

## حروف مشبهه بالفعل

حروف مشبهه بالفعل، عبارتند از: إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ، لَكِنَّ.

### معانی حروف مشبهه:

إِنَّ:

«إِنَّ»، کَلِّ جملۀ پس از خود را تأکید می‌کند و به معنای «قطعاً، به درستی‌که، همانا، بی‌گمان» است؛ مانند:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ = بی‌گمان این امت شماست؛ امتی یگانه.

نکته: در متون امروزی و گفتارهای روزمره، استفاده از «إِنَّ» لزوماً برای تأکید نیست و گاهی نوعی تکیه کلام برای جمله‌های اسمیه به شمار می‌آید؛ بنا بر این اگر «إِنَّ» ترجمه نشده باشد، اشکال محسوب نمی‌شود؛ مانند: «إِنَّهُمْ بَدَؤُوا يَذْهَبُونَ» = ایشان شروع به رفتن کردند. = همانا ایشان شروع به رفتن کردند.

نکته: گاهی به حرف «إِنَّ»، حرف «ما» متصل شده است. «إِنَّمَا» از ادات حصر است. در ترجمه جمله‌ای که با «إِنَّمَا» شروع شده باشد، از کلمات «فقط، تنها، بس، این است و جز این نیست» استفاده می‌شود؛ مانند:

﴿قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ﴾ = بگو: اوست تنها معبود یگانه.

أَنَّ:

«أَنَّ»، دو جمله را به هم پیوند می‌دهد و به معنای «که، این‌که» است، مانند:

﴿قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ = گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

نکته: «لِأَنَّ» به معنای «زیرا، لذا» است، مانند:

﴿لِأَنَّ رَائِحَةَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ﴾ = زیرا بوی این درخت، ناپسند است.

كَأَنَّ:

«كَأَنَّ»، گاهی به معنای گمان، «گویی» و گاهی به معنای تشبیه، «مانند» است؛ مانند:

﴿كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ﴾ = گویی خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که بدست نمی‌آید.

﴿كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ﴾ = آنان مانند یاقوت و مرجان‌اند.

لَكِنَّ:

«لَكِنَّ»، به معنای «اما، ولی» است و طبق کتاب درسی، برای کامل کردن پیام و بر طرف کردن ابهام جمله قبل از خودش است؛ مانند: ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾ = بی‌گمان

پروردگارت دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر آنان سپاسگزاری نمی‌کنند.

لَيْتَ:

«لَيْتَ»، به معنای «کاش، ای کاش» است و برای آرزویی که اغلب امیدی به تحقق آن نیست، به کار برده می‌شود؛ مانند: ﴿يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا﴾ = و کافر می‌گوید: ای کاش، من خاک بودم.

لَعَلَّ:

«لَعَلَّ»، به معنای «شاید، امید است» به کار می‌رود و معنای توقع و امیدواری را می‌رساند؛ مانند:

«لَعَلَّ سَعِيدًا قَادِمٌ» = امید است سعید از راه برسد.

نکته مهم در ترجمه «لَيْتَ، لَعَلَّ»:

اگر قبل از فعل مضارع، «لَيْتَ» یا «لَعَلَّ» آمده باشد، فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

لَيْتَ / لَعَلَّ + مضارع = مضارع التزامی

مانند: «لَعَلَّ الطُّلَّابَ يَتَّبِعُونَ عَنِ الْكَسَلِ» = امید است (شاید) دانش‌آموزان از تنبلی دوری کنند.

بیشتر بدانیم:

فعل ماضی بعد از «لَيْتَ» را به دو شکل ماضی استمراری و ماضی بعید و ماضی التزامی، می‌توان ترجمه کرد:

لَيْتَ + ماضی = ماضی استمراری / ماضی بعید / ماضی التزامی

مانند: «لَيْتَنِي سَمِعْتُ كَلِمَكَ» = ای کاش سخنت را می‌شنیدم / شنیده بودم / شنیده باشم.

اما اینکه در این جمله فعل «سمعتُ» به صورت کدامیک از این سه مورد ترجمه شود، ذوق و سلیقه مترجم و متن دارد.

### ➤ تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ:

- |  |  |
|--|--|
| <p>۱- لَيْتَ الطُّلَّابَ ابْتَعَدُوا عَنِ الْكَسَلِ.</p> <p>۲- لَيْتَ السَّلَامَ يَسْتَقَرُّ فِي الْعَالَمِ.</p> <p>۳- لَيْتَكَ سَاعَدَتِ الْمَحْرُومِينَ.</p> <p>۴- إِنِّي أَنْعَبُدُ لَعَلَّ اللَّهَ يُدْخِلُنِي اللَّهُ الْجَنَّةَ.</p> <p>۵- يَا لَيْتَنِي أَذْهَبُ مَرَّةً أُخْرَى.</p> <p>۶- لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.</p> <p>۷- لَعَلَّ الْعُيُومَ تُمْطِرُ الْيَوْمَ.</p> <p>۸- لَعَلَّهُ يَأْتِي.</p> <p>۹- لَعَلَّ مَرِيْمَ تُسَافِرُ.</p> <p>۱۰- لَيْتَنِي أَنْجَحُ.</p> <p>۱۱- لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ يَسْتَيْقِظُونَ مِنْ نَوْمِ الْعَفْطَةِ.</p> <p>۱۲- لَيْتَ وَالِدِي يُشَاهِدُ جَمِيعَ مَدُنِ الْبِلَادِ.</p> | <p>۱- لَيْتَ الطُّلَّابَ ابْتَعَدُوا عَنِ الْكَسَلِ.</p> <p>۲- لَيْتَ السَّلَامَ يَسْتَقَرُّ فِي الْعَالَمِ.</p> <p>۳- لَيْتَكَ سَاعَدَتِ الْمَحْرُومِينَ.</p> <p>۴- إِنِّي أَنْعَبُدُ لَعَلَّ اللَّهَ يُدْخِلُنِي اللَّهُ الْجَنَّةَ.</p> <p>۵- يَا لَيْتَنِي أَذْهَبُ مَرَّةً أُخْرَى.</p> <p>۶- لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.</p> <p>۷- لَعَلَّ الْعُيُومَ تُمْطِرُ الْيَوْمَ.</p> <p>۸- لَعَلَّهُ يَأْتِي.</p> <p>۹- لَعَلَّ مَرِيْمَ تُسَافِرُ.</p> <p>۱۰- لَيْتَنِي أَنْجَحُ.</p> <p>۱۱- لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ يَسْتَيْقِظُونَ مِنْ نَوْمِ الْعَفْطَةِ.</p> <p>۱۲- لَيْتَ وَالِدِي يُشَاهِدُ جَمِيعَ مَدُنِ الْبِلَادِ.</p> |
|--|--|

## انواع لا

### «لا» النافية للجنس (لای نفی جنس)

قبل از پرداختن به «لا»ی نفی جنس، توجه به انواع «لا» ضروری است. حرف «لا» در زبان عربی کاربردهای مختلف دارد، از آن جمله است:

#### ۱- «لا» ناهیه:

اگر «لا» آخر فعل مضارع را تغییر داده باشد (مجزوم کرده باشد)، لا ناهیه است و به صورت امر منفی ترجمه می‌شود؛ مانند: «لا تَصْحَبِ الْمَائِقَ = با احمق همنشینی نکن»

#### ۲- «لا» نافیة:

اگر «لا» آخر فعل مضارع را تغییر نداده باشد (مجزوم نکرده باشد)، لا نافیة است و معنای آن را از مثبت به منفی تبدیل می‌کند؛ مانند: ﴿أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾ = آیا دوست ندارید که خدا شما را ببامزد.

#### ۳- حرف جواب:

متضاد «نَعَمْ» و در پاسخ به «هَلْ، أ» می‌آید و به معنای «نه» است؛ مانند: «أَأَنْتَ عِرَاقِيٌّ؟ لا، أَنَا مِنْ إِيرَانَ».

#### ۴- حرف «لا»ی نفی جنس، که در ادامه شرح آن خواهد آمد.

### «لا» النافية للجنس = لای نفی جنس = لا الناسخة = نفی کامل

لای نفی جنس، دلالت بر نفی کامل دارد و پس از «لا» بلافاصله یک اسم نکره و غالباً مفتوح می‌آید؛ مانند: لا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ. لا قِيَمَةَ لَهُ و لا شَأْنَ.

نکته: پس از لای نفی جنس همیشه اسم عام می‌آید نه اسم خاص.

نکته: اسم لای نفی جنس فقط به صورت اسم ظاهر می‌آید.

نکته: اسم لای نفی جنس تنوین یا «ال» نمی‌گیرد و همیشه نکره است.

### انواع خبر لای نفی جنس

۱- مفرد، در این حالت خبر، یک اسم نکره غالباً ضمه دار (،، ء) است؛ مانند: «لا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ»

۲- جمله فعلیه؛ مانند: «لا كاذِبَ يُعَاشِرُ»

۳- شبه جمله، خبر جار و مجرور یا ظرف است؛ مانند: «لا عقلَ كالتدبير»، «لا دليلَ عندنا»

نکته: هیچ گاه خبر لای نفی جنس بر اسم آن مقدم نمی‌شود، هر چند که خبر شبه جمله باشد.

نکته: خبر «لا»ی نفی جنس نکره است. البته اگر خبر «لا» جمله یا شبه جمله باشد، بودن اسم معرفه در آن

۱- تعدادی از ظرفها عبارتند از: «عند، بین، فوق، تحت، أمام، خلف، وراء، جنب، هنا، هناك، مع ...»

اشکال ندارد.

حذف خبر «لا»ی نفی جنس

گاهی خبر «لا»ی نفی جنس حذف شده است، که در این صورت خبر را از سیاق جمله می‌توان فهمید؛ مانند: «لا شكَّ»

توضیح: خبر لا، «فیه» بوده است (لا شكَّ فیه).

نکته: اگر «لا» و «إلا» با هم در یک عبارت بیایند، غالباً خبر لای نفی جنس، کلمه «موجود» است که حذف شده است؛ مانند: «لا إله إلا الله» که در اصل این چنین بوده است: «لا إله موجود إلا الله»

روش ترجمه جمله دارای «لا»ی نفی جنس

جمله دارای «لا»ی نفی جنس، به صورت «هیچ... نیست» ترجمه می‌شود؛ مانند:

«لا سيف أقطع من الحق» = هیچ شمشیری برنده‌تر از حق نیست.

نکته: «لیس» به معنای «نیست» و «لا»ی نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست»، می‌باشد؛ زیرا همانگونه که گفته شد لای نفی جنس، دلالت بر نفی کامل شیء دارد؛ مانند:

«ليس في المدرسة طالب» = در مدرسه دانش‌آموزی نیست.

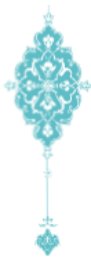
«لا طالب في المدرسة» = در مدرسه هیچ دانش‌آموزی نیست.

توجه: اسم و خبر لای نفی جنس، محلّ اعرابی محسوب می‌شوند.

➤ عَيْنُ نَوْعِ «لا» فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ ثُمَّ تَرْجِمُهَا:

- |   |   |
|---|---|
| ۱- لا خَيْرَ لِمَنْ لَا يَعْلَمُ.                   | ۲- العالمُ قائمٌ بِالْعَمَلِ فلا تَرَى فِيهِ السَّكُونَ.          |
| ۳- لا تَقُلْ ما لا تَعْرِفُهُ.                      | ۴- ﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ﴾       |
| ۵- لا نورَ فِي قلبِ الْمُذْنِبِ.                    | ۶- اللهُ اللهُ فِي القرآنِ لا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ به غيرُكم. |
| ۷- لا شيءَ أَفْضَلُ مِنَ التَّقْوَى.                | ۸- هَلْ تَذْهَبُ؟ لا، لا أَذْهَبُ.                                |
| ۹- لا يَخَافُ الْمُؤْمِنُ إِلَّا اللهُ.             | ۱۰- لا خَيْرَ فِي دِينٍ لا تَقْفُهُ فِيهِ.                        |
| ۱۱- لا إِيمانَ مَعَ سَوْءِ الظَّنِّ.                | ۱۲- أَلْيَوْمَ لا طالِبَةَ فِي المَدْرَسَةِ.                      |
| ۱۳- لا تَطْلُبُوا إِلَّا أَعْمَالَ الْخَيْرِ.       | ۱۴- أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ اللهُ على كُلِّ شيءٍ مُحِيطٌ.            |
| ۱۵- لِمَ تَقُولُ ما لا تَعْلَمُ، أَيُّها الْإِنسان! | ۱۶- ﴿كُلُوا و اشْرَبُوا و لا تُسْرِفُوا﴾                          |
| ۱۷- لا كَلِمَةَ تُعَادِلُ كَلِمَةَ الْحَقِّ.        | ۱۸- لا ثَرَوَةَ أَعْظَمُ مِنَ الْقَناعَةِ.                        |





إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱): تَرْجِمْ هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْكَرِيمَتَيْنِ.

۱- ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ الرَّوم: ۵۶

خود آزمایی (۱): این دو آیه کریم را ترجمه کن.

۱. این، روز رستاخیز است؛ ولی شما نمی دانستید.

**توضیح:** اگر قبل از فعل مضارع، «کان» آمده باشد، کان همراه با فعل مضارع با هم به صورت ماضی استمراری ترجمه می شوند: «کنتم لا تعلمون = نمی دانستید»

۲- ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ﴾ الصَّف: ۴

۲. بی گمان خدا کسی را که صف در صف در راه او می جنگد، دوست می دارد؛ گویی که ایشان ساختمان استوارند.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲): تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ.

۱- لا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۲- لا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ. أمير المؤمنين علي عليه السلام

۳- لا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ. أمير المؤمنين علي عليه السلام

۴- لا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ. أمير المؤمنين علي عليه السلام

۵- لا سَوْءَ أَسْوَأُ مِنَ الْكُذِبِ. أمير المؤمنين علي عليه السلام

خودآزمایی (۲): این احادیث را بر اساس قواعد درس ترجمه کن.

همانگونه که گفته شد، جمله دارای «لا» ی نفی جنس، به صورت «هیچ... نیست» ترجمه می‌شود.

۱. هیچ خیری در گفتاری نیست مگر اینکه همراه با عمل باشد.

۲. هیچ جهادی مانند جهاد با نفس نیست.

۳. هیچ لباسی زیباتر از تندرستی نیست.

۴. هیچ فقری مانند نادانی و هیچ ارثی مانند ادب نیست.

۵. هیچ بدی‌ایی بدتر از دروغ‌گویی نیست.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۳): اِمْلًا الْفَرَاغَ فِي مَا يَلِي، ثُمَّ عَيْنُ نَوْعِ «لا» فِيهِ.

۱- ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ ...﴾ الْأَنْعَامُ: ۱۰۸

و کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند ..... زیرا که به خدا دشنام دهند...

۲- ﴿وَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ...﴾ يُونُسُ: ۶۵

گفتارشان تو را .....؛ زیرا ارجمندی، همه ..... خداست.

۳- ﴿... هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ...﴾ الزُّمَرُ: ۹

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که ..... برابرند؟

۴- ﴿... رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا ۲ مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ...﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۸۶

[ای] پروردگار ما، آنچه را هیچ توانی نسبت به آن نداریم بر ما.....

۵- لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَن لَّا يَرْحَمُ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

خدا رحم نمی‌کند به کسی که به مردم ..... .

خودآزمایی (۳): جای خالی را پُر کن و سپس نوع «لا» را مشخص کن.

۱. جای خالی: «دشنام ندهید». نوع «لا» در «لا تَسُبُّوا»: لای نهی.

۲. جای خالی اول: «ناراحت نکنند»، جای خالی دوم: «از آن». نوع «لا» در «لا يَحْزَنُ»: لای نهی.

۳. جای خالی: «نمی‌دانند». نوع «لا» در «لا يعلمون»: لای نفی مضارع.

۴. جای خالی: «تحمیل نکن». نوع «لا» در «لا تحمّل»: لای نهی و در «لا طاقة»: لای نفی جنس.  
۵. جای خالی: «رحم نمی‌کند». نوع «لا» در هر دو مورد: لای نفی مضارع.

### الْتَّمَارِين

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- .....  
.....  
.....  
.....  
.....
- ۱- آلَةٌ ذَاتُ يَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَ سِنَّ عَرِيضَةٍ مِنَ الْحَدِيدِ يُقَطَّعُ بِهَا:
  - ۲- تَمَثَّالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ:
  - ۳- عَضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجِدْعِ:
  - ۴- التَّارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ:
  - ۵- إِنَّهُمْ بَدَوْا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ:

تمرین اول: کدامیک از کلمات معجم درس مناسب با توضیحات زیر است؟

۱. ابزاری دارای دسته‌ای چوبی و دندانه‌ای پهن از آهن که به وسیله آن (اشیاء) بریده می‌شود. (الفأس)
۲. تندیس از سنگ یا چوب و یا آهن که به جای خداوند پرستش می‌شود. (الصنم)
۳. اندامی از اندام‌های بدن که در بالاترین قسمت تنه واقع می‌شود. (الکتف)
۴. ترک کننده باطل و متمایل به دین حق. (الحنیف)
۵. آنها آغاز کردند به سخن گفتن پنهانی. (بدؤوا يتهامون)

التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْحَرْفَ الْمُشَبَّهَ بِالْفِعْلِ، وَلَا النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ.

۱- ﴿قِيلَ ' ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي

مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ يس: ۲۶ و ۲۷

۲- ﴿... لا تَحْزَنَنَّ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ...﴾ التَّوْبَةِ: ۴۰

۳- ﴿... لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ...﴾ الصَّافَّاتِ: ۳۵

۴- لا دِينَ لِمَنْ لا عَهْدَ لَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۵- إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ ضَيْفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ<sup>۲</sup>. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

تمرین دوم: عبارات زیر را ترجمه کن و سپس حروف مشبیه بالفعل و لای نفی جنس را مشخص کن.

۱. گفته شد: وارد بهشت شو. گفت: ایکاش، قوم من بدانند که پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامیان قرار داده است. «لیت» از حروف مشبیه بالفعل است.
۲. اندوهگین مباش؛ همانا خدا با ماست. «إنَّ» از حروف مشبیه بالفعل است.
۳. هیچ خدایی جز خداوند نیست. «لا» در «لا إله» لای نفی جنس است.
۴. کسی که هیچ وفای به عهدی ندارد، هیچ دینی ندارد. هر دو «لا» در این عبارت، لای نفی جنس هستند.
۵. از جمله سنت، این است که آدمی، میهمانش را تا در خانه همراهی کند. «إنَّ» از حروف مشبیه بالفعل است.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ:

أ. اِقْرَأِ الشَّعْرَ الْمُنْسُوبَ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

إِنَّمَا النَّاسُ لَأُمَّمٌ وَلِأَبٌ	أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ
أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ	هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ
هَلْ سِوَى <sup>٢</sup> لَحْمٍ وَعَظْمٍ <sup>٣</sup> وَعَصَبٍ	بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ <sup>١</sup>
وَحَيَاءٍ وَعَفَافٍ وَأَدَبٍ	إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ

تمرین سوم:

الف) این شعر منسوب به امام علی (ع) را بخوان و سپس ترجمه کلماتی که زیر آنها خط وجود دارد، مشخص کن (بنویس).

النَّسَبُ: دودمان، أَب: پدر، تَرَاهُمْ: آنان را می‌بینی، نُحَاسٍ: مس، طِينَةٌ: تکه گلی، عَظْمٌ: استخوان، إِنَّمَا: تنها، حَيَاءٌ: شرم.

ب. اسْتَخْرِجْ مِنَ الْآيَاتِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ، وَ الْجَارَ وَ الْمَجْرُورَ، وَ الصِّفَةَ وَ الْمَوْصُوفَ.

ب) اسم فاعل، فعل مجهول، جار و مجرور، صفت و موصوف را در این آیات مشخص کن.  
اسم فاعل: الفاخر، ثابت، فعل مجهول: خُلِقُوا، جار و مجرور: بالنسب، لأم، لأب، من فِضَّة، من طِينة، لعقل، صفت: ثابت، موصوف: عقل

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرَجِّمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، ... لَا بَرَكَةَ فِيهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَ نَوْعُ لَا)

۲- لا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْعُضْبَ مَفْسَدَةٌ<sup>۱</sup>. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (نَوْعُ الْفِعْلِ)

۳- لا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَلَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (الْمُضَافُ إِلَيْهِ وَ نَوْعُ لَا)

۴- لا تَطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (نَوْعُ لَا، وَ مُفْرَدَ «مَسَاكِينَ»)

۵- لا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعِدَاوَةَ بَيْنَهُمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (فِعْلُ النَّهْيِ، وَ مُضَادُّ عِدَاوَةَ)

۶- خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُنُوا<sup>۲</sup> نِقَادَ الْكَلَامِ.

عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (الْمَحَلُّ الْإِعْرَابِيُّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ)

تمرین چهارم: احادیث را ترجمه کن و سپس خواسته شده از تو را مشخص کن.

۱. هر غذایی که نام خدا بر آن یاد نشود، هیچ برکتی در آن نیست.

فعل مجهول: یُذْكَرُ، حرف «لا» در «لا یُذْكَرُ»، لای نفی مضارع و در «لا یرکه»، لای نفی جنس است.

**توضیح:** خلاصه معانی «كُلُّ»:

- |  |
|--|
| ۱- کُلُّ + اسم مفرد نکره ⇐ هر            |
| ۲- کُلُّ + اسم مفرد دارای ال ⇐ همه، تمام |
| ۳- کُلُّ + اسم جمع معرفه ⇐ همه           |
| ۴- کُلُّ + اسم جمع نکره یا ضمیر ⇐ همه    |
| ۵- کُلُّ + مِن + اسم جمع ⇐ هریک          |
| ۶- کُلُّ + مَن ⇐ هرکس                    |
| ۷- کُلُّ + ما ⇐ هر بار، هرچه             |

۲. خشمگین مشو؛ زیرا که خشم مایه تباهی است. «لا تغضب» فعل نهی است.

۳- هیچ فقری سخت‌تر از نادانی و هیچ عبادتی مانند اندیشیدن نیست. «التفکر»، مضاف الیه و هر دو «لا» در این عبارت، لای نفی جنس هستند.

۴. به درماندگان از آنچه که خود نمی‌خورید، نخورانید. «لا» در «لا تطعموا»، لای نهی و در «لا تأکلون»، لای نفی مضارع و مفرد «مساکین»، «مسکین» است.

۵. حق را از اهل باطل بگیرد و باطل را از اهل حق فرا نگیرد. سخن سنج باشید. «الباطل» در «أهل الباطل»، مضاف الیه و در «لا تأخذوا الباطل»، مفعول و «أهل» در «من أهل الحق»، مجرور به حرف جر است.

**توضیح:** «نُقَاد» با «نُقَاد» تفاوت دارد، «نُقَاد» اسم مبالغه و مفرد است؛ اما «نُقَاد» اسم فاعل و جمع مکسر برای «ناقد» است؛ اما از آنجا که خبر است، به صورت مفرد ترجمه می‌شود.

الْتَّمِرِينَ الْخَامِسُ: لِلتَّرْجَمَةِ.

جَلَسَ: نشست	جَلَسْنَا: .....	لا تَجْلِسُوا: .....
أَجَلَسَ: نشانید	أَجَلِسْ: .....	لا تُجَلِسِي: .....
عَلِمَ: دانست	قَدْ عَلِمْتَ: .....	لَمْ أَعْلَمْ: .....
عَلَّمَ: یاد داد	قَدْ يُعَلِّمُ: .....	لَنْ يُعَلِّمَ: .....
فُطِعَ: بُرید	فُطِعَ: .....	كَانَا يَفْطَعَانِ: .....
	الْمَقْطُوعِ: .....	لا تَقْطَعُ: .....

تمرین پنجم: برای ترجمه.

- نشستیم، نشینید، نشسته، بنشینید.
- بنشان، نشان، نشانیدند (لم + مضارع = ماضی منفی)، خواهد نشانند (س + مضارع = آینده).
- دانسته‌ای (قد + ماضی = ماضی نقلی)، ندانستم، بدان، نمی‌داند.
- گاهی یاد می‌دهد («قد» همراه با فعل مضارع، به صورت «گاهی» و «شاید» ترجمه می‌شود)، یاد خواهد داد (لن + مضارع = آینده منفی)، یاد می‌دهم، باید یاد بدهد.
- بریده شد، می‌بریدند (كان + مضارع = ماضی استمراری)، بریده شده، بُر.

..... سَيَقْطَعُ: .....	..... مَا انْقَطَعَ: .....	۶- انْقَطَعَ: بُرِيدَةٌ شَدَّ
..... لَنْ يَنْقَطِعَ: .....	..... الْاِنْقِطَاعُ: .....	
..... لَا يُعْفَرُ: .....	..... قَدْ عَفَرَ: .....	۷- عَفَرَ: آمْرَزِيْدٌ
..... الْعَفَّارُ: .....	..... الْمَعْفُورُ: .....	
..... اَلِاسْتِغْفَارُ: .....	..... قَدْ اسْتَعْفَرْتُمْ: .....	۸- اسْتَعْفَرَ: آمْرَزِيْدٌ خَوَّاسَتْ
..... اسْتَعْفِرُ: .....	..... لَا يَسْتَعْفِرُونَ: .....	

۶. بریده نشد، بریده خواهد شد، بریده شدن، بریده نخواهد شد. (هر فعلی که در ترجمه‌اش، «شدن» داشته باشد، لزوماً مجهول نیست.)
۷. آمرزیده است، آمرزیده نمی‌شود، آمرزیده شده، بسیار آمرزنده.
۸. آمرزش خواسته‌اید، آمرزش خواستن، آمرزش نمی‌خواهند، آمرزش می‌خواهم.

### التَّمْرِيْنُ السَّادِسُ:

أ. اِقْرَأْ هَذِهِ الْأَنْشُودَةَ؛ ثُمَّ تَرَجِّمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

يا إلهي، يا إلهي      يا مُجِيبَ<sup>٢</sup> الدَّعَوَاتِ  
 اجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيداً      وَكَثِيْرَ الْبَرَكَاتِ  
 وَ اَمْلأِ الصَّدْرَ اِنْشِراحاً<sup>٣</sup>      وَ قَمِي بِالْبَسْمَاتِ<sup>٤</sup>  
 وَ اَعْنِي<sup>٥</sup> فِي دُرُوسِي      وَ اَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ  
 وَ اَنْزِرْ<sup>٦</sup> عَقْلِي وَ قَلْبِي      بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ  
 وَ اجْعَلِ التَّوْفِيْقَ حَظِّي<sup>٧</sup>      وَ نَصِيْبِي فِي الْحَيَاةِ  
 وَ اَمْلأِ الدُّنْيَا سَلاماً<sup>٨</sup>      شامِلاً كُلَّ الْجِهَاتِ  
 وَ اَحْمِنِي<sup>٩</sup> وَ اَحْمِ بِلادِي      مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ

تمرین ششم: این سرود را بخوان و سپس به فارسی ترجمه کن.

ای خدای من، ای خدای من، ای برآورنده دعاها / امروز را خوش اقبال و پر برکت قرار بده / و سینه را از شادمانی و دهانم را از لبخندها پر کن / و مرا در درس‌هایم و انجام تکالیف یاری کن / و خردم را و دلم را با



دانش‌های سودمند نورانی گردان / موقّیّت را بخت و بهره من در زندگی قرار بده / و دنیا را از صلیحی فراگیر در همه جهت‌ها پر کن / و مرا و کشورم را از پیشامدهای نگهداری کن.

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ۱- قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «... أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ.»  
(أَنَّ  إِنَّ  لَكِنَّ )
- ۲- سَأَلَ الْمُدِيرُ: أَمَا فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ فَاجَابَ: «... طَالِبٌ هُنَا.»  
(لِأَنَّ  لَا  فَإِنَّ )
- ۳- حَضَرَ السُّيَاخُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ؛ ... الدَّلِيلَ لَمْ يَحْضُرْ.  
(أَنَّ  لَكِنَّ  لَعَلَّ )
- ۴- تَمَنَّى الْمُزَارِعُ: «... الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا.»  
(كَأَنَّ  لِأَنَّ  تَيَّتَ )
- ۵- لِمَاذَا يَبْكِي الطِّفْلُ؟ - ... جَائِعٌ.  
(أَنَّهُ  لِأَنَّهُ  تَيَّتَ )

تمرین هفتم: در جای خالی کلمه مناسب قرار بده.

۱. إِنَّ

**توضیح:** علت انتخاب نکردن گزینه‌های اول و سوم: «أَنَّ»، دو جمله را به هم پیوند می‌دهد. «لَكِنَّ»، برای کامل کردن پیام و بر طرف کردن ابهام جمله قبل از خودش است.

۲. لَا

**توضیح:** اگر «لِأَنَّ» یا «فَإِنَّ»، در جای خالی قرار بگیرد، جوابی که مدیر به سؤال داده است، نامربوط خواهد بود.

۳. لَكِنَّ

**توضیح:** «لَكِنَّ»، برای کامل کردن پیام و بر طرف کردن ابهام جمله قبل از خودش است.

۴. لَيَّتَ

**توضیح:** «لَيَّتَ»، به معنای «کاش، ای کاش» است و برای بیان آرزو، به کار برده می‌شود.

۵. لِأَنَّهُ

**توضیح:** غالباً در پاسخ به پرسش‌هایی که با «لِمَاذَا، لِمَ» شروع می‌شود، از «لِأَنَّ» استفاده می‌گردد.

الْتَمَرِينُ التَّامِنُ: أَكْمَلُ تَرْجَمَةَ هَذَا النَّصِّ؛ ثُمَّ أَكْتُبُ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

حِينَ يَرَى «الطَّائِرُ الذَّكِيُّ» حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا قُرْبَ عَشِّهِ، يَتَظَاهَرُ أَمَامَهُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ<sup>۲</sup>،

فَيَتَّبِعُ<sup>۳</sup> الْحَيَوَانَ الْمَفْتَرِسَ هَذِهِ الْفَرِيَسَةَ<sup>۴</sup>، وَ يَبْتَئِدُ عَنِ الْعَشِّ كَثِيرًا. وَ عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ<sup>۵</sup> الطَّائِرُ

مِنْ خِدَاعِ<sup>۶</sup> الْعَدُوِّ وَ ابْتِعَادِهِ وَ انْقِاذِ حَيَاةِ فِرَاخِهِ، يَطِيرُ بَعْتَةً.



پرنده باهوش هنگامی که جانور ..... را نزدیک لانه اش می بیند،

روبه ریش وانمود می کند که ..... شکسته است،

در نتیجه جانور درنده این شکار را تعقیب می کند و از لانه بسیار ..... و وقتی که

این پرنده از فریب دشمن و دور شدنش و نجات زندگی ..... مطمئن می شود،

..... پرواز می کند.

تمرین هشتم: ترجمه این متن را کامل کن؛ سپس محل اعرابی (نقش دستوری) کلماتی را که زیر آنها خط وجود دارد، بنویس.

درنده‌ای (مفترساً)، بالش (جناحه)، دور می شود (بیتعد)، جوجه‌هایش (فراخه)، ناگهان (بعته)

الطائر: فاعل، حیواناً: مفعول، مفترساً: صفت، عَشٌّ: مضاف الیه، الحیوان: فاعل، المفترس: صفت، عن

العش: جار و مجرور، خداع: مجرور به حرف جر، حیاة: مضاف الیه.

امتحان مستمر درس اول عربی زبان قرآن (۳) پایه دوازدهم تجربی و ریاضی مدت زمان پاسخگویی ۶۰ دقیقه

بارم	سؤالات	
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. لِنَذْكُرْ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ (ع) الَّذِي حَمَلَ فَأْسًا وَ كَسَّرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ لِيُبَيِّنَ الدِّينَ الْحَقَّ.	۱
۰/۵	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. (كلمتان زائدتان) تَقَرَّبَ - أَنْقَدَ - سُدِيَ - تَجَنَّبَ - فَهَمَ - حَلَّصَ المترادف ..... = ..... / المتضاد ..... # .....	۲
۰/۵	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْعَرَبِيَّةَ فِي الْمَعْنَى. الطَّرِيقَ      الْحَرِيقَ      السَّبِيلَ      الصِّرَاطَ حَسِبَ      زَعَمَ      ظَنَّ      قَذَفَ	۳
۰/۵	اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمَعَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. حَمَلَ النَّاسُ الْقَرَابِينَ عَلَى كَتِفِهِمْ لِيُقَدِّمُوهَا بِالْأَلِهَةِ.	۴
۶	تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ. ۱- قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ عَنْ صِرَاعِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) مَعَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. (۰/۵) ۲- فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ. (۰/۵) ۳- لَيْتَنِي أَشَاهِدُ جَمِيعَ الرُّسُومِ وَ التَّمَاثِيلِ. (۰/۵) ۴- رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لِطَاقَةِ لَنَا بِهِ. (۰/۵) ۵- تَرَى النَّاسَ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ. (۰/۵) ۶- وَ أَحْمِنِي وَ أَحْمِ بِلَادِي مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ. (۰/۵) ۷- لِاشْعَبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. (۰/۷۵) ۸- اِزْدَادَتِ الشَّعَائِرُ الْخُرَافِيَّةُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ. (۰/۷۵) ۹- بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَا مَسُونَ: أَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ. (۰/۷۵) ۱۰- وَ لَا يَحْرُوكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِرَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا. (۰/۷۵)	۵
۰/۵	اِنتَخِبِ التَّرْجِمَةَ الصَّحِيحَةَ. ۱- كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ وَ لَا بَرَكَةَ فِيهِ. الف) هر غذایی که نام خدا را بر آن یاد نکنی قطعاً یک بیماری است و برکتی ندارد. ب) هر غذایی که نام خدا بر آن یاد نشود آن فقط بیماری است و هیچ برکتی در آن نیست.	۶

	۲- وَأَمَلَا الدُّنْيَا سَلَامًا شَامِلًا كُلَّ الْجِهَاتِ. الف) و دنیا را ازصلحی فراگیر در همه جهات پکن. ب) و دنیا را از سلامتی کامل از هر نظر پکن.
۷	كَمَّلَ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ. إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُيُوتًا مَرْصُوعًا. قطعاً خداوند کسانی را که در راهش ..... دوست می دارد گویی آنها .....
۵/۰	عَيْنِ الْفِعْلِ الْمُنَاسِبِ لِلْفِرَاعِ. ۱- ..... فَإِنَّ الْعَضْبَ مَفْسُودَةٌ. الف) لَا تَعْضَبُوا ب) لِيَعْضَبُوا ۲- لَعَلَّ اللَّهَ ..... ذُنُوبِي. الف) يَسْتَعْفِرُ ب) يَعْفِرُ
۵/۱	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ : ۱- كانوا قد كتبوا ۲- كانوا يكتبون ۳- لعلَّه يكتب ۴- لن يكتب ۵- لم يكتب ۶- لا تكتبوا
۱	عَيْنِ «لَا التَّائِيَةَ لِلْجِنْسِ» وَ«الْحُرُوفَ الْمُشَبَّهَةَ بِالْفِعْلِ» فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ. ۱- لَا تَحْزَنَنَّ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا. ۲- لِابْتِئَانِ أَجْمَلٍ مِنَ الْعَافِيَةِ. ۳- كَانَ إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرِكُ وَلَا تُشَكُّ فِيهِ.
۵/۱	عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ. الْأَثَارُ(.....) الْقَدِيمَةُ (.....) تُؤَكِّدُ (.....) اهْتِمَامَ(.....) الْإِنْسَانِ (.....) الدِّينِ (.....)
۵/۱	عَيْنِ اسْمِ الْفَاعِلِ وَاسْمِ الْمَفْعُولِ وَاسْمِ الْمَبَالِغَةِ وَاسْمِ الْمَكَانِ وَاسْمِ التَّفْضِيلِ فِي الْجُمَلِ التَّالِيَةِ. ۱- شَاهَدَ الْقَوْمُ أَصْنَامَكُمْ مَكْسُورَةً. ۲- لَأَكْتَرُ أَعْنَى مِنَ الْقِنَاعَةِ. ۳- الْحَنِيفُ هُوَ الْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ. ۴- كَلَّمَ صَدِيقِي وَالِدَهُ الصَّبَّارَ أَمَامَ الْمُتَجَرِّبِ. اسْمُ الْفَاعِلِ (.....)، (.....) اسْمُ الْمَفْعُولِ (.....) اسْمُ الْمَبَالِغَةِ (.....) اسْمُ الْمَكَانِ (.....) اسْمُ التَّفْضِيلِ (.....)
۱	عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. (✓ ×) ۱- الرَّسْمُ مَا يُخَطُّ بِالْقَلَمِ أَوْ الْفُرْشَةِ لِتَمَثِيلِ الْأَشْيَاءِ أَوْ الْأَشْخَاصِ أَوْ الْمَنَاطِرِ. ۲- الْحَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا الْإِنْسَانُ لِأَتُوكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ. ۳- الرَّأْسُ عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْبَدَنِ. ۴- الْعَصَبُ أَلْيَافٌ مُنْتَشِرَةٌ فِي الْجِسْمِ بِهَا تَكُونُ الْحَرَكَةُ وَالْحِسُّ.

۱/۵	<p>۱۴ ضَعُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)</p> <p>۱- الياقوتُ <input type="radio"/> ضِحْكَةٌ خَفِيفَةٌ بِلاصَوْتٍ.</p> <p>۲- الأَنْشُودَةُ <input type="radio"/> نَصِيبٌ مِنَ الْخَيْرِ وَالْفَضْلِ وَالسَّعَادَةِ.</p> <p>۳- النَّقْشُ <input type="radio"/> هُوَ الَّذِي يَسْتَجِيبُ لِدُعَاءِ عَبْدِهِ وَيُنِيلُ سَائِلَهُ مَا يُرِيدُ.</p> <p>۴- الْفَأْسُ <input type="radio"/> نَوْعٌ مِنَ الْأَحْجَارِ، لَوْنُهُ شَقَافٌ يُسْتَعْمَلُ لِلرَّيْنَةِ.</p> <p>۵- الْحِظُّ <input type="radio"/> قِطْعَةٌ شِعْرِيَّةٌ فِي مَوْضِعِ حِمَاسِيٍّ أَوْ وَطَنِيٍّ.</p> <p>۶- الْمُجِيبُ <input type="radio"/> مَا يُحْفَرُ عَلَى حَجَرٍ أَوْ أَخْشَابٍ أَوْ مَعَادِنٍ قَدِيمَةٍ مِنْ صُورٍ.</p> <p>۷- الْعِظْمُ</p> <p>۸- الْبَسْمَةُ</p>
۱/۵	<p>۱۵ اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ وَأَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ.</p> <p>الْعُصْفُورُ يَعِيشُ فِي كُلِّ أَنْحَاءِ الْكُرَةِ الْأَرْضِيَّةِ. وَ لَهُ أَنْوَاعٌ عَدِيدَةٌ وَ أَعْدَادٌ كَثِيرَةٌ. وَ الْبُلْبُلُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ الْعَصَافِيرِ. هَذِهِ الطُّيُورُ مُسْتَقَرَّةٌ فِي مَكَانٍ عَيْشِهَا، فَلَيْسَتْ مِنَ الطُّيُورِ الْمُهَاجِرَةِ. وَ ذَلِكَ لِأَنَّهَا تَحْتَمِلُ التَّغْيِيرَاتِ الْجَوِّيَّةَ وَ الظُّرُوفِ الصَّعْبَةَ. وَ هِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَحْتَمِلَ الْجُوعَ وَ الْعَطْشَ أَحْسَنَ مِنَ الطُّيُورِ الَّتِي أَكْبَرُ مِنْهَا حَجْمًا. وَ الْعَصَافِيرُ تُسَبِّبُ خَسَارَاتٍ كَثِيرَةً بِالْمَزَارِعِ وَ ذَلِكَ حِينَ تُهَاجِمُ الْحُقُولَ وَ تَتَنَاوَلُ الْبُذُورَ. وَ الْعَصَافِيرُ تَشْعُرُ بِأَذَى كَثِيرٍ مِنَ الْإِنْسَانِ عِنْدَمَا يَصِيدُهَا بَعْضَ الْأَحْيَانِ وَ يَجْعَلُهَا فِي الْقَفْصِ.</p> <p>۱- أَيْنَ يَعِيشُ الْعُصْفُورُ؟</p> <p>۲- لِمَاذَا لَا تُهَاجِرُ الْعَصَافِيرُ؟</p> <p>۳- مَاذَا تَتَنَاوَلُ الْعَصَافِيرُ عِنْدَمَا تُهَاجِمُ الْمَزَارِعَ؟</p>

بارم	پاسخنامه
۱	لِنَدْكُرُ: باید یاد کنیم فأساً: تبر كَسَرَ: شکست لِيُبَيِّنَ: تا آشکار کند
۰/۵	المترادف أنقذ = خلَّص / المتضاد تقرب # تجنَّب
۰/۵	الحريق قَذَف
۰/۵	القرابين مفردش قربان و كتف جمع آن أكتاف است

۶	<p>۱- قرآن کریم از درگیری پیامبران (ع) با مردمان کافرشان با ما سخن گفته است.</p> <p>۲- این، روز رستاخیز است؛ ولی شما نمی‌دانستید.</p> <p>۳- ای کاش من تمامی نقاشیها و مجسمه‌ها را بینم.</p> <p>۴- رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لِطَاقَةِ لَنَا بِهِ. پروردگارا، آنچه توانش را هیچ نداریم بر ما تحمیل نکن.</p> <p>۵- می‌بینی مردم را که از تگه گلی آفریده شده‌اند.</p> <p>۶- و مرا و کشورم را از پیشامدهای نگهداری کن.</p> <p>۷- هیچ ملتی از ملت‌های زمین نیست؛ مگر اینکه برای عبادت روشی دارد.</p> <p>۸- در گذر زمان این خرافات در دین‌های مردم افزایش یافت.</p> <p>۹- بَدَأَ الْقَوْمَ يَتَهَامَسُونَ: أَحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ. مردم شروع به پیچ کردند؛ او را برای محاکمه بیاورید (احضار کنید)</p> <p>۱۰- گفتارشان تو را اندوهگین نکند؛ زیرا ارجمندی، همه از آن خداست.</p>	۵
۰/۵	۱- ب ۲- الف	۶
۱	صف در صف / می‌جنگد / ساختمانی / استوارند.	۷
۰/۵	۱- الف) لَا تَعْضَبُوا ۲- ب) يَغْفِرُ	۸
۱/۵	۱- نوشته بودند ۲- می‌نوشتند ۳- شاید او بنویسد ۴- نخواهد نوشت ۵- نوشت ۶- ننویسد	۹
۱	۱- اِنَّ (حروف مشبیهه) ۲- لا (لای نفی جنس) ۳- كَأَنَّ (حروف مشبیهه) لا (لای نفی جنس)	۱۰
۱/۵	الانثَارُ (مبتدا)، الْقَدِيمَةُ (صفت)، تُؤَكِّدُ (خبر)، اِهْتِمَامٌ (مفعول)، الْإِنْسَانِ (مضاف الیه)، الدِّينِ (مجرور به حرف جر)	۱۱
۱/۵	اسْمَ الْفَاعِلِ (متمايل)، (والِد) اسْمَ الْمَفْعُولِ (مكسرة) اسْمَ الْمَبَالِغَةِ (صِبَار) اسْمَ الْمَكَانِ (متجر) اسْمَ التَّفْضِيلِ (أغنى)	۱۲
۱	۱- درست ۲- غلط ۳- درست ۴- درست	۱۳
۱/۵	۸ ضَحِكَةٌ خَفِيفَةٌ بِلَا صَوْتٍ. ۵ نَصِيبٌ مِنَ الْخَيْرِ وَ الْفَضْلِ وَ السَّعَادَةِ. ۶ هُوَ الَّذِي يَسْتَجِيبُ لِدُعَاءِ عَبْدِهِ وَ يُبَيِّنُ سَائِلَهُ مَا يُرِيدُ. ۱ نَوْعٌ مِنَ الْأَحْجَارِ، لَوْنُهُ شَقَافٌ يُسْتَعْمَلُ لِلرِّيَّةِ. ۲ قِطْعَةٌ شِعْرِيَّةٌ فِي مَوْضِعٍ حَمَاسِيٍّ أَوْ وَطَنِيٍّ ۳ مَا يُحْفَرُ عَلَى حَجَرٍ أَوْ أَحْشَابٍ أَوْ مَعَادِنٍ قَدِيمَةٍ مِنْ صُورٍ.	۱۴
۱/۵	۱- أَيْنَ يَعِيشُ الْعُصْفُورُ؟ الْعُصْفُورُ يَعِيشُ فِي كُلِّ أَنْحَاءِ الْكُرَةِ الْأَرْضِيَّةِ. ۲- لِمَاذَا لَا تُهَاجِرُ الْعُصَافِيرُ؟ لِأَنَّهَا تَحْمَلُ التَّغْيِيرَاتِ الْجَوِّيَّةِ وَ الظُّرُوفِ الصَّعْبَةَ ۳- مَاذَا تَتَنَاوَلُ الْعُصَافِيرُ عِنْدَمَا تُهَاجِمُ الْمَزَارِعَ؟ تَتَنَاوَلُ الْبُذُورَ	۱۵

➤ پرسش‌های چهار گزینه‌ای انواع لا

۱- عَيْنُ الْخَطَا عَنْ نَوْعِ «لَا»:

- (الف) لَا يَنْجَحُ الطَّالِبُ مَا دَامَ لَا يَجْتَهِدُ (نافية)  
(ب) لَا تَتَكَاسَلِي فِي الْحَيَاةِ تَنْجَحِي (ناهية)  
(ج) لَا نَجَاحَ فِي الْحَيَاةِ مَعَ التَّكَاسُلِ (نافية للجنس)  
(د) لَا أَرَى نَجْمَةً فِي السَّمَاءِ هَذِهِ اللَّيْلَةَ (نافية للجنس)

(خارج از کشور ۹۹ نظام ۳-۳-۶)

۲- عَيْنٌ مَا يَدُلُّ عَلَى نَفْيِ الشَّيْءِ نَفِيًّا كَامِلًا:

- (الف) لَا خَيْرَ فِي الْكُذْبِ!  
(ب) لَا، أَنْتَ لَا تَكْذِبُ!  
(ج) لَا شَرُّ أَرِيدُ وَ لَا فِتْنَةٌ!  
(د) لَا الْكُذْبُ أَرْغَبُ فِيهِ وَ لَا الْغَيْبَةُ!

۳- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- (الف) لَا عِنْدِي طَالِبَ كَسَلَانَ.  
(ب) لَا رَجُلًا فِي الْمَكْتَبَةِ.  
(ج) لَا سَيْفَ أَقْطَعُ مِنَ الْحَقِّ.  
(د) لَا الْمُعَلِّمَ فِي عُرْفَةِ الْمُعَلِّمِينَ.

(ریاضی ۹۸ نظام ۳-۳-۶)

۴- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ «لَا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ:

- (الف) لَا حَيَاءٌ وَ عِفَافٌ وَ أَدَبٌ إِلَّا لِعَقْلِ ثَابِتٍ.  
(ب) لَا الْعُرَّةُ إِلَّا لِرَبِّنَا الرَّحِيمِ الَّذِي لَهُ كُلُّ شَيْءٍ.  
(ج) لَا أَتَذَكَّرُ زَمَانَ ذَهَابِنَا إِلَى تِلْكَ الْجَوْلَةِ الْعَلَمِيَّةِ.  
(د) لَا شَعْبَ لَشُعُوبِ الْعَالَمِ إِلَّا وَ لَهُ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.

➤ عَيْنُ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ (۵ - ۲۲)

۵- «لَا شَيْءَ أَحْسَنُ مِنَ النَّقُوشِ وَالرُّسُومِ وَالتَّمَاثِيلِ لِيُشَبِّعُنَا إِلَى كَشْفِ الْحَضَارَاتِ الْقَدِيمِ» (هنر ۹۸)  
(الف) هیچ چیزی بهتر از نقوشها و نقاشیها و مجسمه‌ها نیست برای اینکه ما را به کشف تمدنهای قدیم تشویق کند!

- (ب) چیزی بهتر از نقوش و رسمها و تمثالها وجود ندارد که ما را به یافتن تمدنهای قدیم ترغیب کرده باشد!  
(ج) هیچ چیزی نیست که بهتر از نقوشها و نقاشیها و تندیسها ما را به کشف تمدنهای قدیم تشویق کند!  
(د) چیزی نیست که ما را به کشف تمدنهای قدیم بهتر از نقوش و نقاشیها و تمثالها ترغیب کرده باشد!

۶- «سقوط جوجه‌ها منظره بسیار ترسناکی است، ولی گریزی از آن نیست» (هنر ۹۸ نظام جدید)

- (الف) السقوط للفراخ من المناظر المرعبة، ولكن لا يمكن الفرار منه!  
(ب) السقوط للأفراخ من مشاهد مرعبة كثيراً، أما ليس فرار منه!  
(ج) سقوط الفراخ مشهد مُرْعَبٌ جَدًّا، ولكن لا فرار منه!  
(د) سقوط أفراخ منظره مَخُوفٌ كَثِيرًا، أما لا بُدُّ منه!

➤ پرسش‌های چهار گزینه‌ای حروف مشبیه بالفعل

۷- عَيْنٌ ما لا نرجو وقوعه:

- (الف) لَعَلَّ الفَوْزَ حَلِيفُكَ فِي الدُّنْيَا.  
 (ب) كَأَنَّ الخَيْرَ يَنْزِلُ عَلَيْكَ قَرِيبًا.  
 (ج) لَيْتَ النَّجَاحَ يَتَحَقَّقُ فِي حَيَاتِكَ.  
 (د) يَدَّعِي أَنَّهُ كَرِيمٌ لَكِنَّ الوَاقِعَ لَا يُوَدِّدُ ذَلِكَ.

۸- عَيْنُ الكَلِمَةِ الَّتِي تَكْمَلُ جُمْلَةً ما قَبْلَهَا:

- (الف) إِنَّ العِلْمَ أَحْسَنُ مِنَ المَالِ،  
 (ب) نَعْلَمُ أَنَّ للعَالِمِ أَصْدِقَاءَ كَثِيرِينَ،  
 (ج) وَ لَكِنَّ لِصَاحِبِ المَالِ أَعدَاءَ كَثِيرِينَ،  
 (د) هَذَا هُوَ الفَرْقُ بَيْنَ العِلْمِ وَ المَالِ.

۹- عَيْنُ حَرْفِ المَشْبَهَةِ بِالفِعْلِ يَخْتَلِفُ (فِي المَعْنَى):

- (الف) قَدْ جَاءَ فِي التَّارِيخِ أَنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) أَنْقَذَ قَوْمَهُ مِنَ عِبَادَةِ الأَصْنَامِ!  
 (ب) أَيُّهَا الإِنْسَانُ لَا تَحْزَنْ عَلَيَّ مَا فَاتَكَ، إِنَّ اليَأْسَ يُبْعِدُكَ مِنَ اللّٰهِ!  
 (ج) أَيْظَنَّ الإِنْسَانُ أَنَّ اللّٰهَ يَتْرِكُهُ سَدًى وَ وَحِيدًا!  
 (د) إِلَهِنَا وَ رَبَّنَا نَعْلَمُ أَنَّكَ مَعَ عِبَادِكَ دَائِمًا!

۱۰- عَيْنٌ مُضَارِعًا لَيْسَ مَعَادِلًا لِلتَّارِيخِيِّ الفَارِسِيِّ:

- (الف) أُمِرْنَا بِأَنْ لَا نَغْضِبَ، وَ لَكِنَّا نَغْضِبُ، وَ هَذَا الأَمْرُ شَائِعٌ بَيْنَنَا.  
 (ب) لَعَلَّ الإِنْسَانَ يَعْرِفُ الحَضَارَاتِ مِنَ خِلالِ الكِتَابَاتِ وَ التَّمَاثِيلِ.  
 (ج) كَأَنَّ هَذَا الجَبَلَ أَعْلَى مِنْ بَقِيَّةِ الجِبَالِ، لَيْتَنِي أَصْعَدُ إِلَى رَأْسِهِ.  
 (د) لَيْتِنَا نَقْرَأُ آراءَ عِدَّةٍ كُتِّبَ حَوْلَ هَذَا المَوْضُوعِ لِأَخْذِ نَتِيجَةٍ صَحِيحَةٍ.

۱۱- عَيْنُ الصَّحِيحِ (بِالنَّظَرِ إِلَى تَأْكِيدِ الجُمْلَةِ):

- (الف) إِنَّ الفَخْرَ لِلإِنْسَانِ الَّذِي لَهُ عَقْلٌ ثَابِتٌ: فخر برای انسانی است که بی‌گمان دارای عقلی ثابت است.  
 (ب) إِنَّ وَعَاءَ العِلْمِ لَا يَضِيقُ بِكُلِّ ما جُعِلَ فِيهِ: به طور قطع ظرف علم با هر آنچه در آن قرار داده شود، تنگ نمی‌شود.

- (ج) إِنَّ النَّاسَ يَمُرُّونَ بِجِوَارِ الأشْجَارِ الَّتِي يَنْتَفِعُونَ بِهَا: مردم از کنار درختانی که از آنها سود می‌برند، قطعاً عبور می‌کنند.

- (د) إِنَّ غِصُونَ بَعْضِ الأشْجَارِ تَنْكَسِرُ مِنَ ثِقَلِ وَزَنِ ثَمَارِهَا: شاخه‌های برخی درختان از سنگینی وزن میوه‌هایش بدون شک شکسته می‌شود.

۱۲- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (الف) مَنْ هُوَ صَادِقٌ فِي كَلَامِهِ فَإِنَّهُ يُعَدُّ مِنَ المُحْسِنِينَ: هر کس در سخن خود صادق باشد خود را از نیکوکاران بشمار خواهد آورد!



ب) ليس المظلومون متّحدين في العالم فلهذا يعيشون تحت الظلم: مظلومان جهان متحد نیستند لذا زیر بار ستم بسر می‌برند!

ج) إنّ هؤلاء ناجحون في حياتهم لأنّهم لا يُضَيِّعون أوقاتهم: اینها در زندگی موفق هستند لذا اوقات خود را تباه می‌کنند!

د) إذا توقّعت النّجاح فلا تيأس من الحصول عليه: هرگاه انتظار موفقیت داشتی از بدست آوردن آن مأیوس مشو!

۱۳- عین الخطأ: (هنر ۹۹ نظام ۳-۳-۶)

الف) العلم إن لم ينفعا لا يضرنا: علم اگر به ما نفع نرساند، ضرر نمی‌رساند!

ب) إنّما الدین إطاءً للعلم والحضارة: دین چارچوبی برای علم و تمدن است!

ج) التّفکر هو الدّواء لدفع سُموّم الخرافات: فکر کردن همان دارو است برای دفع کردن سموم خرافات!

د) الفضلاء شخصيتهم أقوى من أن يُقلّدوا الجهلاء: فاضلان شخصیتشان قویتر از این است که از جاهلان تقلید کنند!

۱۴- عین الخطأ: (زبان ۹۸ نظام ۳-۳-۶)

الف) إن نأخذ من أموالنا تنقص بمرور الأيام: اگر از اموالمان برداشت کنیم به مرور زمان کم می‌شود،

ب) ولكن عندما نُعطي الآخرين من علمنا و نُعلّمهم: ولی هنگامی که به دیگران از علممان می‌دهیم و به آنها آموزش می‌دهیم،

ج) يكثر علمنا، لأنّ في التّعليم تکرار الدّرس لأنفسنا: علممان زیاد می‌شود، زیرا در آموزش دادن تکرار درس است برای خودمان،

د) فالعلم أحسن من المال لأنّه لا زوال له! : پس علم قطعاً از مال بهتر است و علم از بین نمی‌رود!

۱۵- « كاش همه شهرهای کشورم را می‌دیدم » عین الصحیح: (خارج از کشور ۹۸ نظام ۳-۳-۶)

الف) لعلّني أشاهدُ مدن بلادي جميعاً. ب) لیتني أنظر كلّ المدن في بلادي.

ج) لعلّني كنتُ أنظر مدن بلادي كلّها. د) لیتني كنتُ أشاهدُ جميع مدن بلادي.

#### پاسخنامه پرسش‌های چهار گزینه‌ای

پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ
۱	د	۴	د	۷	ج	۱۰	الف	۱۳	ب
۲	الف	۵	الف	۸	ج	۱۱	ب	۱۴	د
۳	ج	۶	ج	۹	ب	۱۲	د	۱۵	د

**منبع و مرجع:**

- اشکبوس، عادل و همکاران. (۱۳۹۷ش). راهنمای معلّم عربی، زبان قرآن (۳). چاپ اول. تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.